

ناممكن كردن ديالوگ كتبي و شفاهي

بحثهاي هفته‌هاي اخير مي‌توانست براي طرفين بحث و ناظران بيروني امكان نگاهي عمقي‌تر به مسائل مرتبط با جنبش ملي و دموكراتيک آذربايجان فراهم سازد. در اين موضوع آقاي سيروس مددي متن سخنراني خود در يك جمع كوچك 5-10 نفری را كتبي کرده و منتشر کرده بودند. پاسخهاي متعددي به نوشته ايشان در سايتهاي اينترنتي منتشر شد. متأسفانه سايتهاي فارسي كه اصولاً بايستي رعايت بيطرفي حداقل در ظاهر را مي‌کردند، به نشر يكجانبه نظرات تيم سه نفری به رهبري آقاي حسين نوحی وند و مشاركت آقاي مددي پرداختند و از اين جهت عدم اعتماد موجود در جنبش ملي آذربايجان نسبت به رسانه‌هاي فارسي را بازهم تشديد کردند. تيم سه نفره از پاسخ به جوابيه‌ها و جريان يافتن ديالوگ لازم و سالم، خودداري کرد و تنها امكان برقراري يك ديالوگ بين طرفين بحث كه از سوي "گون آذ تي وي" فراهم شده بود، با رفتار نامتعارف س. م. در جريان سوال و جوابها تبديل به یأس شد. تاكتيك نامعقول آقاي مددي در مصاحبه تلويزيوني مذکور در فوق كه مبتني بر باراندان اتهام به هرسو در پاسخ هر سوآلي بود، از هر جهت، اين شائبه را دامن زد كه اين تيم نه به قصد طرح نظرات متفاوت خود با جنبش ملي آذربايجان، بلكه در صدد جا انداختن نظرات از پيش آماده شده خودشان به هر قيمتي هستند و وقعي به حق قضاوت مردم در ميان نظرات مطرح شده، قائل نيستند. طرح مكرر جوابهايي مثل "بشما چه مربوط است؟!" در پاسخ سوال مرتبط با نظرات ايشان كه داوطلبانه براي پاسخ به سوآلات به تلويزيون وصل شده‌اند، به تنهايي حكم آويختن تابلوي "No dialog" را دارد كه تأسف آور است.

لازم به تأكيد است كه من در اين نوشته به هيچوجه قصد برخورد به نظرات آقاي س. م. را ندارم حتي اينجا و آنجا بنا به ايجاب مطلب اين كار اتفاق افتاده باشد. در اين باره مقاله جداگانه‌اي به تركي نوشته‌ام و از آنجايي كه نظرات آقاي س. م. كلكسيون مفصلي از نظرات نادرست ناشي از تعلق خاطر به يك ايدئولوژي توتاليتري است، برخورد با اين نظرات حتي در فورمهايي غيراز ديالوگ ادامه خواهد يافت. پايان تاريخ مصرف ايدئولوژيهاي توتاليتري به معني حذف شدن آنها از ميان عقايد موجود نيست همانطور كه هنوزهم طرز تفكر و حتي شيوه توليد فتووالي و ماقبل آن در جهان وجود دارد.

در اين مقاله لازم مي‌بينم بخشهاي مهم مصاحبه 8 فوريه آقاي س. م. و بويژه بخشهاي مرتبط با خودداري ايشان از دادن جواب به ساده‌ترين و مشخصترين سوآلها را در اينجا منعكس كنم.

مكتب آنده ژدانف

مكتب آنده ژدانف كم اهميت‌تر از مكتب يوزف گوبلز نيست و معجزاتي دارد عظيم. بستن قرارداد تقسيم لهستان با رژيم هيتلر و همزمان "سوسيال فاشيست" ناميدن احزاب

سوسیال دمکرات قربانی فاشیسم در اروپا از کرامات این مکتب است. " سرمایه‌داری گنبدیده" نامیدن کشورهای پیشرفته صنعتی و دموکراتیک دنیا از دیگر دستاوردهای این مکتب است. حال تیمی سه نفره با برخورداری از تجربیات این مکتب، ملتی اسیر و محروم از هر گونه حقوق ابتدایی خود را با کشف اشباح پانتورکیستی از بیم عقوبت تلخی که در صورت نپیوستن به کارزار نامقدس این تیم منتظر آنان است، هشدار میدهد. گویی نگرانی‌های اطفال گرسنه نه در مورد گرسنگی و علل آن بلکه بایستی در جهت آشنایی و پیشگیری عوارض ناشی از پرخوری جهت داده شوند. یا انگار زنان عربستان سعودی بایستی بجای مبارزه برای کسب حق رانندگی باید نیروی خود را در جهت کشف و خنثی ساختن توطئه‌های زنان افراطی ضد مرد در صفوف جنبش برابری طلب زنان بسیج کنند! این ترزا هر اندازه مسخره و دور از عقل باشند، بسیار شبیه مدعیات تیم سه نفره مورد نظر و یکی دونفر حواریون قدیم و وفادار آنها می‌باشد.

6 سوال و 2000 سطر سخنان خارج از موضوع

مصاحبه روز یکشنبه 8 ماه فوریه 2009 آقای سیروس مددی با "گون آز تی وی" برای کسانی که در هر شرایطی اعتقاد به دیالوگ دارند، مایوس کنند بود. در این مصاحبه در طی بیش از یک ساعت و نیم ایشان قرار بود به 6 سوال زیر جواب دهند:

1. تعریف از پان تورکیسم [این تعریف در منابع شوروی، دایره المعارف بریتانیکا و منبع سوئدی یک یا دو سطر بیشتر نیست]

2. چه کسی یا کسانی از آذربایجانی‌ها از دولت ایالات متحده آمریکا برای حمله به ایران دعوت کرده‌اند؟ [جواب چنین سوالی هم اصولاً نباید بیش از یک سطر باشد؟]

3. ارائه مصادیق تقسیم بندی جنبش ملی آذربایجان به 4 گروه (که برای اینکار در مصاحبه اول فوریه خود یکم هفته وقت درخواست کرده بودند) [از مصادیق هر کاتگوری 4-5 مثال بیشتر درخواست نشده بود یعنی جمعاً یک جواب 4 سطری]

4. برخورد ارزشی به ادبیات و زبان نقد درون جنبش ملی آذربایجان: آیا یک عضو سازمان مجاهدین میتواند عضو دیگر سازمان یا کل سازمان خود را منافق و منافقین بنامد؟ [اصولاً جواب این سوال بیش از آری یا نه نمی‌تواند باشد]

5. میزان آرای بلشویکها و حزب مساوات قبل از تشکیل جمهوری اول آذربایجان شمالی "آذربایجان خالق جومهوریتی" [انتخاباتی که به تاریخ 26، 27 و 28 ماه 1917 در قفقاز جنوبی برقرار شد و بلشویکها زیر 4 درصد و حزب مساوت 63 درصد آرا را کسب کردند نگاه: سویتوخواوسکی صحیفه 124، 125]

6. از میان 25 مقاله ترکی که آقای مددی بنا به ادعای کنترل نشده خودشان تاکنون نوشته‌اند، غیر از این مقاله اخیر، کدامیک از 24 مقاله باقی مانده به فارسی ترجمه شده‌اند؟ [جواب این سوال دو کلمه یعنی "یک مقاله" است. آن مقاله هم با مشارکت یک یار وفادار این تیم سه نفره بدون ارائه تعریفی از پانتورکیسم و نشان دادن نیم سطری نوشته، سه همکار سابق خودشان، آقایان "سئور"، "سیداوالی" و عزیز سلامی را زیر اتهام قرار دادند.]

بدینسان س. م. در مصاحبه تاریخ 8 ماه فوریه، بجای 6 سطر جواب به 6 سوال مشخص فوق، قریب 2000 سطر حرف خارج از موضوع، به هم بافت تا در گرد و خاکی که برپا کرده بود، پرده ساتری بر ماهیت نه چندان زیبای عمل خود بکشد. مترجمی با امضای "واهاب تیریزی" (نام مستعاری که قبلاً برای انتشار اینترنتی نظرات مشابه نظرات ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی بکار رفته است) که ترجمه شلخته و پراز تحریفی از مصاحبه فوق بیرون داده ادعا کرده است که مصاحبه شونده، "بعلت مانع تراشی های مدیر تلویزیون، فرصت پاسخگویی

لازم را نیافت". مدیر تلویزیون در نهایت بهت و حیرت خود و بینندگان تلویزیون شاهد 2000 سطر سخنان خارج از موضوع س. م. در جواب 6 سوال فوق بود و نتوانست جلوی این سخنان خارج از موضوع را که از نظر مترجم فوق، نشانه "**تردستی قابل توجه**" وی است، بگیرد، چگونه مانع بیان 6 سطر جواب مربوط به 6 سوال فوق از جانب وی شد؟ آقای س. م. عضو گروه سه نفری به رهبری حسین نوحی وند (کارمند سابق رادیو مسکو) در طی دو جلسه مصاحبه در برابر چند سوال کنکرت در باره سخنان مکتوب خود در مقاله اش، قرار گرفت. پاسخ ایشان به شخصیت قهرمان سید ابراهیم نبوی در اثر طنز "**دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5، دفتر سردبیر**" بود. شباهت در دو جهت است:

1. اتهام زدن بجای جواب به سوال
2. ابهام در اتهام زنی بنحوی که طرف اتهام حتی و قتی خود خبرنگار است، این مسئله صراحت نمی یابد و تنها از سوی خواننده "استنباط" می شود. در این شیوه اتهام تعریف نمی شود و در نتیجه ذکر مصادیق اتهام هم نه مطرح می شود و نه حتی ذکر آنها ممکن خواهد بود.

دو خصوصیت فوق هم در نوشته ها و هم در مصاحبه های مورد نظر به وفور به چشم می خورد. ابتدا به طنز سید ابراهیم نبوی دقت کنید تا بعد بخشهایی از مصاحبه آقای مددی را مرور کنیم:

دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5، دفتر سردبیر

گفتم: برادر جان! مگر شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی جلسه برگزار نکردید؟

گفت: این اظهارات یاوه گویی های عناصر وابسته به استکبار می باشد که جهت دشمنی با ارزش ها عنوان شده است.

گفتم: بله، برادر جان! اینجانب وابسته به استکبار بوده و می پذیرم که دشمن ارزش ها هستم، ولی آیا شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی جلسه داشتید یا نه؟

گفت: کسانی که فساد اخلاقی دارند و اعتراف کرده اند و در جهت مقابله با ارزش ها و مصالح ما حرکت می کنند، می خواهند ما را خراب کنند.

گفتم: چشم برادر! ما فساد اخلاقی داریم، اعتراف هم کرده ایم، اما لطفاً بفرمایید روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی جلسه داشتید یا نه؟

گفت: جاسوسان دشمن از طریق صهیونیستها اطلاعاتی به دست می آورند تا ارزش ها را از بین ببرند.

گفتم: آقای محترم! ما جاسوس هستیم، صهیونیست هم هستیم، قبلاً هم اسممان دانیال بوده، اما شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی چکار داشتید؟

گفت: کسانی اعتراف کرده اند که سعید امامی مطالبی علیه ما به آنان داده است و می خواهند ارزشها را از بین ببرند.

گفتم: قربانت گردم! الهی فدای شکل ماهت بشوم. ما اعتراف کردیم با سعید امامی هم رفیق بودیم. اما شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی ملاقات کردید یا نه؟

گفت: ملت ایران تکلیف خودش را با عناصر معلوم الحال مشکوک که پدرشان جاسوس

انگلیسی‌ها بوده، می‌دانند.

گفتم: بله، می‌دانند کاملاً صحیح! ما معلوم الحال و مشکوک هستیم، پدرمان هم جاسوس بوده، آیا شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی ملاقات کردید یا نه؟

گفت: برخی شاگردان دکتر سروش که با روزنامه‌های مجهول‌الهویه رابطه تنگاتنگ دارند و صد ملیون دلار اختلاص کرده‌اند اتهاماتی را به ارزش‌ها وارد می‌کنند.

گفتم: آقای من! درد و بلایت انشاءالله بخورد به تویی سر عوامل استکبار! ما قبول می‌کنیم که شاگرد دکتر سروش هستیم، اصلاً نوکرش هستیم، روزنامه ما هم مجهول‌الهویه است، رابطه‌مان هم تنگاتنگ است، به جای صد ملیون دلار هم یک میلیارد دلار اختلاص کردیم، اما آیا شما روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی قرار و مدار همکاری گذاشته‌اید یا نه؟

گفت: برخی افراد در قالب دفاع از قانون و آزادی چهره‌هایی مانند آقای مصباح یزدی را خراب می‌کنند تا ارزش‌های ما را از بین ببرند.

گفتم: اولاً که برخی افراد که ما باشیم غلط می‌کنیم؛ اصلاً غلط کردیم که از قانون و آزادی دفاع کردیم؛ قد آقای مصباح یزدی هم انشاءالله در بیاید سر چشم سید ابراهیم نبوی، اما محض رضای خدا، جان مادرت، بگو روز دوشنبه، ساعت 2 تا 5/5 در اتاق سردبیری طبقه دوم با آقای سعید امامی در مورد چه موضوعی صحبت می‌کردید؟

□ □ □

نتیجه شاعرانه: پیش از آن که در اشک غرقه شوم، چیزی بگو، هر چه باشد.

نتیجه سیاسی: اتهام زدن به دیگران سرشار از ناگفته‌هاست.

نتیجه فولکلوریک: دست پیش را بگیرد که پس نیفتد.

نتیجه نمایشی: همکاری با امامی؟ یا مخالفت با امامی؟ مسأله اینست!

(سید ابراهیم نبوی: ، **بی ستون**، انتشارات روزنه، چاپ دوم، زمستان 1378، ص 332-334)

از کلمات قصار آقای واهاب تبریزلی

آقای واهاب تبریزلی، می‌فرمایند که آقای س. م. یعنی طرف مورد علاقه ایشان در مصاحبه روز 8 فوریه 2009 بدون آنکه فرصت پاسخگویی داشته باشد، صرفاً با "**تردستی قابل توجه**" خود موفق شده‌است! به عین نوشته ایشان توجه کنید:

[آقای مددی] "بعلت **مانع تراشی های مدیر تلویزیون، فرصت پاسخگویی لازم را نیافت** و بعد از پایان وقت و در غیابش متهم شد که حاضر به پاسخ دادن به سئوالات نشد. ... البته ایشان هم بلحاظ تسلط کافی که بر امور داشت و نیز از بابت **داشتن سواد بالاتر از مدیر تلویزیون و سوال کنندگان دست چین شده**، اجازه ی زیادی به توفیق ترتیب دهندگان برنامه نداده و بجای قرارگرفتن در صندلی اتهام، مخالفان خود را با **تردستی قابل توجه** به چالش کشیده و **کم و بیش** موفق شد"

در این نوشته من بعداز تلاش ناموفق برای برقراری يك ديالوگ از طریق طرح سوالات مشخص با آقای مددی، گوشه‌های مهم سوال و "جواب" تلویزیونی مزبور را روی کاغذ می‌آورم. در ابتدا من متن پیاده و ترجمه شده آقای واهاب تبریزلی را برای نقل قول انتخاب کرده بودم که بعداً با مشاهده تحریفات جهت دار در کار ایشان سعی کردم بخش‌های مورد استفاده از مصاحبه را

خود پیاده و ترجمه کنم. با وجود این آثار متن آقای واهاب تبریزی در اینجا و آنجا مانده است. هدف من هم ارائه کلمه به کلمه مصاحبه نبوده و سعی کرده‌ام مسائل حساس و مهم از مصاحبه را کتبی و فارسی کنم. روش من در اینکار انعکاس طرح مکرر و مکرر 6 سوال فوق و اکتفا به بخش ناچیزی از بربط گویی‌های آقای مددی بعنوان نمونه است. مشابهت این سوال و "جواب" با نمونه منقول در فوق از آثار آقای سید ابراهیم نبوی بهت برانگیز است. مسلماً سوال کننده نمی‌تواند مخاطب خود را **محبور** به جواب دادن بکند. اما مردم نیز بعنوان ناظران بیرونی و پوبلیک، حق و امکان قضاوت در موضوع را دارند. به نظر من خودداری لجوجانه، عامدانه و آگاهانه س. م. از دادن جواب به 6 سوال فوق، خود به تنهایی نشان دهنده چیزی است که از خواندن مقاله ایشان مستفاد نمیشود. من توضیحات و تفاسیر خود بر سخنان س. م. را داخل کروش قرار داده‌ام. اگر هر کسی احیاناً پاسخ همه یا برخی از 6 سوال فوق از برنامه تلویزیونی فوق را شنیده باشد، لطفاً آنرا به بنده اطلاع دهد تا برای استفاده عموم منتشر کنم. تمامی تأکیدات در سرتاسر این نوشته از من است.

.....

- **اوبالی:** شما لطفاً از دیدگاه خود دو واژه را تعریف کنید: "پان ترکیزم و تورانیزم".
- **مددی:** این مسئله در جلسه ی قبل هم مطرح شد و آیا شما هم صراحتاً نگفتید که خودتان "ترکیست و تورانیست" هستید. [به این می‌گویند تعریف پان تورکیسم!].
- **اوبالی:** اگر اینطور ادامه بدهید کارمان بجایی نخواهد رسید ما دیروز تفاهم کردیم که اینبار شما جواب دهنده باشید و نه سئوال کننده. شما در مقاله ی خود چهره ی وحشتناکی از "پان ترکیزم" بتصویر کشیده اید. شما از این پان ترکیزم صحبت کنید. ...
- **مددی:** همانطور که ملتهای دیگر میتوانند متحد شوند، حق این وحدت برای ترک ها هم محفوظ است... صحبت دیروز اتاق "پالتاک" که طی آن ادعا میشد که سیروس مخالف وحدت ترکهاست، چیزی جز عوامفریبی نمیتواند باشد.... آزادیخواهان ما باید به سخنان افراد که از تلویزیون و اینترنت پخش میشوند دقت کرده و ببینند که سخنان این ناطق مفروض در خط ملی-دموکراتیک پیشه وری است یا خطی است که ما را در کنار هیتلر، موسولینی و جرج بوش قرار میدهد؟ [اینهم تعریفی دیگر]...
- **اوبالی:** شما ادعا کردید که کسانی وجود دارند که آمریکا را دعوت به بمباران ایران میکنند، ما هم حق داریم که نام این افراد را از شما پرسیم. اگر از این کار امتناع کنید ادعا هم نباید بکنید. ما چنین افرادی را سراغ نداریم!
- **مددی:** خواهم گفت. [افسوس که نگفتند و من واقعاً دلم می‌خواست همراه شاعر و سید ابراهیم نبوی التماس کنم: "پیش از آن که در اشک غرقه شوم، چیزی بگو، هر چه باشد!"]...
علیرضا اردبیلی: سلام علیکم. خسته نباشید. من چند سئوال دارم که منحصراً با مقاله ی آقای سیروس مددی در ارتباط است و اگر خارج از موضوع باشد عذر خواهم خواست و ایشان میتوانند جواب ندهند. یکی مربوط به "نیت" نوشتن این مقاله است. دیگری با ماهیت مقاله و طرزتفکر ایشان مرتبط بوده و یکی هم "متودولوژی" بکاررفته در مقاله است. حالا نیم ساعت وقت گذشته ولی حرفی زده نشده است. لطفاً به سئوال من بطور مشخص و اختصاراً جواب دهد. ما بر سر آن نیستیم که درباره ی آینده ی بشریت به داستانسرایی پردازیم. آقای مددی حرکت ملی آذربایجان را در محدوده ی 4 طیف ارزیابی کرده است: (آذربایجان دوستی، آذربایجان واحد، ترک گرای و تورانیزم). او هفته قبل قول داد که روشن کند که کدام رسانه و تشکیلات و... هریک از این طیف ها را نمایندگی میکنند. زمانی "حمید آرغیش آزاد" مقاله‌ای بنام "خاله جان من پان ترکیست شده است" نوشته بود. لطفاً از خاله جان مزبور و افراد متفرقه صحبت نکنید. آقای مددی، لطفاً از نمایندگان **طیف اول** ذکری بعمل آورید...
مددی:... **من این عرضه را دارم** که درباره ی مطالب خود توضیح دهم **اجازه بدهد که**

من بتوانم حرم را بزیم [عجیب است که ایشان احساس نیاز می‌کنند در مورد داشتن عرضه صحبت کنند اما از دادن جواب به يك سوال از نوشته خودشان حتي بعد از انقضای مهلت يك هفته‌ای هم خودداری می‌کنند! آیا ایشان واقعاً جایی برای جواب 6 سطر از سوالات فوق در لابلای 2000 سطر سخن خارج از موضوع نیافتند؟ آیا خبر کارگري ایشان در آلمان و پخش اعلامیه از سوی ایشان در گذشته‌های دور و اتهام باراندان به زمین و زمان اینقدر از نظر ایشان اهمیت داشت؟!]

- **اردبیلی:** به سؤال مشخص من جواب بدهید. بگوئید که چه جریانات و چه کسانی آذربایجان دوست هستند...

مددی: نه! نه! نه!

- **اردبیلی:** نمونه‌های آذربایجان چلیق را ذکر کنید... [سخنان خارج از موضوع آقای س.م.]... به سؤال کنکرت مرتبط با نوشته‌تان جواب دهید... [سخنان خارج از موضوع آقای س.م.]... نمونه‌های آذربایجان چلیق کداند...

- **مددی:** ... لطفاً بمیان کلام من نپرید. ... که اگر کسی آمریکاپرست باشد و در جنگ ویتنام آمریکا را محق تر بداند، برخورد او را "ایدئولوژیک" بحساب نمی‌آورند این عین "مک کارتیسم" است ملت پرستهای افراطی ما که آقای اردبیلی از نمایندگان بارز آن است، حاضرند با فاشیسم هم همکاری کرده و بر کارهای ملاحسنی‌ها چشم ببوشند و حتی سر کار آمدن جمهوری اسلامی را نوع دیگری ببینند. [اتهام وابستگی به صهیونیسم بین الملل، استکبار جهانی، مهاجمین فرهنگی، اختلاس مالی و بسیاری دیگر را هم می‌توانستند به اتهامات خود بیفزایند. اما حتی اگر من همه این اتهامات را یکجا به جان می‌کردم، هنوز هم جواب سوال من در مورد اینکه "چه جریانات و چه کسانی آذربایجان دوست هستند" یعنی به کاتگوری اول ایشان در مقاله‌شان متعلق‌اند، داده نشده است]... برخی‌ها می‌خواهند بگویند که من نه از چهار گرایش بلکه از چهار تشکیلات نام برده‌ام... ترک گراها...

- **اردبیلی:** من آنها را [ترک گراها را] خواهم پرسید فعلاً من کاتگوری اول از تقسیم بندی شما را می‌پرسم. ده دقیقه گذشته است و هنوز جوابی نداده‌اید. جنبش را به چهار کاتگوری تقسیم کرده‌اید. از کاتگوری اول مثالهایی بزنید... کدام رسانه‌ها و شخصیتها و... آذربایجان دوست هستند. شما شخصیت‌های غیرعلنی را می‌توانید بیان نکنید.

37- **مددی:** در وهله ی اول "سایت آذربایجان"

37- **اردبیلی:** آن سایت مال شماست. **علاوه بر شما** چه کسانی وجود دارند؟

- **مددی:** میخواهید من نام **هزاران** شخصیت آذربایجانی مقیم داخل ایران را از تلویزیون اعلام کنم؟

- **اردبیلی:** از 4-5 نفر نام ببرید. پنج ارگان مطبوعاتی، پنج صاحب قلم و پنج شخصیت را نام ببرید.

- **مددی:** محمد علي حسيني

- **اردبیلی:** او جزو شماست و گفتم که شما را می‌شناسیم.

- **مددی:** من **خودم** صاحب قلم هستم

اردبیلی: باام جان! شما قبول! شما را می‌شناسیم. آیا **غیر از شما** [نمونه‌های متعلق به کاتگوری اول] هست؟

- **مددی:** **شما** می‌توانید بگوئید که هست یا نیست؟ [هر کاری حتی سوال از سوال کننده کردند و جواب به سوال را از ما دریغ فرمودند!]

- **اردبیلی:** من هستم که از شما سؤال میکنم.

- **مددی:** سؤال شما باید از نوشته ی من باشد.... [آیا این سوالات از نوشته ایشان نبود؟]

- **اردبیلی:** شما جنبش ملی آذربایجان را به 4 کاتگوری تقسیم کردید و من مصادیق آنرا می-

پرسم.

- **مددی:** من نگفته‌ام که 4 نوع تشکیلات است. من دفعه قبل از آقای اوبالی پرسیدم... شما فدرال دموکراتها نیمی آذربایجان چي و نیمی ملت پرستهای افراطی هستیید. [در این صورت این اطلاعیه بی تعارف جنبش فدرال دموکراتها از سوی کدامیک از این "نیمه"های کشف شده از سوی آقای مددی صادر شده است؟]

- **اردبیلی:** آنها را [ملت پرستهای افراطی منسوب به دیگر کاتگوریها را] خواهم پرسید. من هنوز همان مورد اول را می‌پرسم. ده دقیقه گذشت و هنوز جواب نداده‌اید. چیزی را که به 4 کاتگوری تقسیم کرده‌اید، مثالهایی از کاتگوری اول بزنید.

- **مددی:** من تنها به چهار گرایش اشاره کرده‌ام.

- **اردبیلی:** لطفاً! به سؤال جواب دهید... شما نیمی از فدرال دموکراتها را در کاتگوری اول جا دادید. آیا شما از این نیمه چارتری یا لیستی دارید؟ یا این مسئله مخفی است؟

- **مددی:** لطفاً تکرار کنید... نه تست نکرده‌ام. برخی از دوستان شما را اینجا **می‌بینم** و با تعدادی هم **صحبت می‌کنیم**. [این بیان اعتراف به آدم شفاهی بودن در عالم سیاست است. ایشان در ادامه این سؤال و "جواب"، به تفحصات شفاهی دیگر خود در اطاقهای پالتاک هم اشاره خواهند کرد. آیا سازمانهای سیاسی، بر اساس اسناد کتبی‌شان مورد داوری قرار نمی‌گیرند؟ در این میان تکلیف بینندگان تلویزیون که امکان ملاقات اعضای جنبش فدرال دموکرات آذربایجان را ندارند و به حرفهای آقای مددی هم با دیده تردید نگاه می‌کنند چیست؟ اینان چگونه میتوانند صحت و سقم ادعای آقای مددی را کنترل بکنند؟ آیا اظهار نظر در مورد سازمانی که اعضای آن هر کدام 35 تا 45 سال تجربه کار سیاسی دارند بدون سطر مدرك به این بی مسئولیتی ممکن است؟]...

- **اردبیلی:** آقای مددی وقت هدر می‌شود. طرفداران آذربایجان واحد چه کسانی هستند؟ [یعنی متعلقین به کاتگوری دوم طبق مقاله ایشان]

- **مددی:** پس اینطور! من دیروز به آقای اوبالی گفته بودم که اگر قرار است کسی با من بحث کند، من هم این حق را خواهم داشت که از بیوگرافی او آگاه شوم. آیا من نباید بدانم که طرف بحث ام کیست؟ [دیدید که ایشان کمی قبل حتی کاتگوری مرا هم در میان پانتورکیستها معین کرده بودند. بهتر نبود بیوگرافی مرا قبل از معین کردن جای من در میان پانتورکیستها جویا می‌شدند؟]

- **اوبالی:** ...آقای علیرضا همان سوآلی را از شما می‌کند که من دفعه پیش از شما کردم. - **مددی:** آقای اردبیلی شما خودتان فکر توتالیتار دارید... [اتهام بجای جواب همچنانکه در اثر سید ابراهیم نبوی اتفاق می‌افتد]

- **اوبالی:** آقای سیروس، این شما هستید که لقب می‌دهید و اتهام می‌زنید. به سوآل آقای اردبیلی جواب دهید. یا اگر نمی‌توانید بگویید بماند برای بعد [یعنی همان جواب ایشان به این سؤال در هفته قبل در همین مکان تلویزیونی دادند] آقای علیرضا از شما سوآلی می‌پرسد: طرفداران آذربایجان واحد چه کسانی هستند؟ اگر راضی نیستید جواب ندهید. [آیا این تقاضای آقای اوبالی طلب جان آدمیزاد و شیر مرغ از مصاحبه شونده است؟]

- **مددی:** من می‌توانستم جواب بدهم [پس چرا اینکار را نکردید؟]...

- **مددی:** ...آقای "نورالدین غروی" هم مانند آقای "پرویزنیا" فرد محترمی است و زندگی و رفتار شرافتمندانه ای دارند [آیا سوآل من در مورد نحوه زندگی افراد بود؟]

- **اوبالی:** شما بطور ساده به سئوالات جناب اردبیلی جواب بدهید و یا آن را به زمانهای بعد موکول کنید. ...

- **اردبیلی:** شما سازمان مجاهدین خلق را می‌شناسید. آیا یک عضو سازمان مجاهدین میتواند از کلمه ی "منافق" برعلیه دیگر اعضا یا سازمانش استفاده کند؟ یعنی از ادبیات رژیم

استفاده کند بعد ادعا کند که انتقاد از سوي يك مجاهد دلسوز است و آیا اگر این فرد مجاهد است در صورت انجام اینکار، این شخص خودش در مورد مخدوش کردن مرزهای خود با رژیم ایجاد تردید نمی‌کند؟ آیا این شخص میتواند بگوید که علیرغم اینکه این ادبیات رژیم را بکار میبرد، قصدش یک انتقاد "مجاهد گونه" است؟

- **اوبالی:** این سوال خوبی است که لطفاً به این سؤال جواب کافی بدهید.

- **مددی:** خیر این سوال جوابی ندارد. این سئوالی خارج موضوع است. ... چرا سؤال مبهمی مطرح میکنید؟ [آیا اینطور بود؟]...

- **اوبالی:** سؤال آقای علیرضا این است که آیا يك مجاهد میتواند با استفاده از ادبیات رژیم کاربرد صفت "منافق"، ادعا کند که در کار خود صمیمیت دارد؟

- **مددی:** من مفهوم سؤال شما را درک نمیکنم. چه ربطی به قضیه دارد؟... **من نمی گویم که کسانی در مراسم قلعه بابک برجم ترکیه را برافراشتند یا نه...** [ایضاً کسانی هم اختلاس ملیونی و میلیاردي کردند، کسانی فساد اخلاقي داشتند، کسانی معلوم الحال بودند، کسانی میخواستند ارزشهای ما را خراب کنند، کسانی جاسوس و یهودی و نوکر سروش بودند و...]

- **مددی:**... من وقتی آن مقاله را نوشتم، در ابتدا حملات وسیعی بر علیه من شروع شد و هر کس مرا متهم به عاملیت سرویس های مخفی این یا آن کشور کرد [و همه اینها باعث شده که ایشان در دادن جواب به 6 سؤال ناقابل دچار کمی دست انداز شوند و بعداً از سوي حامی خود، آقای واهاب تبریزلی، ضمن معرفی شدن بعنوان "**ژورنالیست و محقق**" در دادن پاسخ به سوالات با قید محدود کننده "**کم و بیش**"، نمره "**موفق**" شدن بگیرند؟!]..... [اینجا فردی طرفدار کوروش هخامنشی، توده‌ای‌ها، فدایی‌ها و مفتخر به قدر قدرتی رژیم جمهوری اسلامی و معتقد به طبیعی بودن نابودی زبان و هویت ملتها بنام "علی" از طریق تماس تلفنی، لبیک گویان به ندای استمداد آقای مددی به مدد وی وارد ماجرا می‌شود. جالب است که همه با افرادی که یکی از این هویت‌ها را حمل می‌کنند، آشنایند. یعنی افراد چپ، طرفدار کوروش یا کسانی که به قدر قدرتی جمهوری اسلامی افتخار می‌کنند، یا کسانی که نابودی ملتها همراه زبان و هویتشان را "طبیعی" می‌پندارند، پدیده‌های جدیدی نیستند اما هویت هیبریدی یعنی پیوندی مرکب از همه این هویت‌ها و داشته آنچه "خوبان" هم دارند به تنهایی، حداقل برای من تاکنون آشنا نبود]

علی: آقا سیروس مرا می‌شنوند؟..

- **مددی:** میشنوم دوست عزیز، میشنودم برادرم

علی: سیروس جان منم. حالت خوب است؟

مددی: قربان شما

علی: چطوری؟ خوبی؟... سیروس جان، مرا شناختید؟

مددی: والله نه. صدا خیلی آشناست اگر حرف بزنید...

علی: منم. علی هستم. شناختی که؟ برای ای میل هم زده بودم

مددی: بلی شناختم.

علی:... من دوساعت است که زنگ می‌زنم. با هزار دوز و کلک وصل شده‌ام. ... شما اجازه

نمی‌دهید کسانی که به نفع سیروس صحبت می‌کنند، حرف بزنند... در فرهنگ و اسطوره ما

...من با هزار کلک خواهان صحبت شده‌ام،... اگر می‌دانستید که به نفع سیروس مددی

صحبت می‌کنم اجازه نمی‌دادید... شما پژوهشگر خوب [در اصل ترکی: "گوزل پژوهشگر" یا

پژوهشگر زیبا] چون سیروس مددی را آورده‌اید اینجا که خرابش کنید... مقاله سیروس را همه

ایرانیها قبول می‌کنند... من سؤالی از سیروس ندارم... شما از خودتان اسطوره می‌سازید.

کوروش و هزاران اسطوره دیگر ما را ول کرده‌اید... شما **قصد تحقیر کوروش** را دارید... شما

اسطوره‌های دیگران را برای ما معرفی می‌کنید... زبانی که تو صحبت می‌کنی زبان بیگانه هاست.. زبان بیگانه است... به زبان کاپادونیستهای ترکیه [؟] صحبت می‌کنی... شما از صهیونیستها پول می‌گیرید. از امپریالیستها پول می‌گیرید. از کجا پول می‌گیرید؟ پس چرا احزاب بزرگی **چون توده‌ای‌ها، فدایی‌ها** و دیگر احزاب نمی‌توانند صحبت کنند، تلویزیون تأسیس کنند و شما میتوانید... شما جواب ندارید شما مرا برای صحبت دعوت کنید... سیروس مددی آدم محترمی است که خجالت می‌کشد... او انسان شریفی است... او از دادن جواب درست خجالت می‌کشد [!]. زبان ترا من می‌دانم.. تو به **کمونیست‌ها** توهین می‌کنی؟... زبان، زبان، **در دنیا بیش از هر چیزی زبان [ملتها] عوض میشود.** در عرصه دنیای امروز مصریها عربی صحبت می‌کنند... از مردمی که زیر کلک هزاران امپریالیست زندگی می‌کنند صحبت کنید... شما می‌خواهید آذربایجان را از ایران جدا کنید؟ این خوابی است که نخواهی دید. **ایران نیروی بزرگی است.** ... [آقای واهاب تبریزی در اینجا هم مثل تمامی قسمت‌های متن پیاده و ترجمه شده مصاحبه، به مدد آقای مددی شتافته و قسمت‌های رسواگر سخنان "علی" **معتقد به طبعی بودن نابودی زبانها**، طرفدار کوروش، توده، فدایی و مفتخر به قدر قدرتی رژیم جمهوری اسلامی را حذف کرده است.]

-مددی:.. من برای تعریف از خودم قابلیت لازم را دارم... دوستان زنده باشد... بحث شما با او ضرورتی نداشت من هیچ خوشم نیامد [یادمان هست که جمهوری اسلامی هم از سبز شدن رژیم طالبان در کنار خود اصلاً خوشحال نبود مثل اینکه صاحبان ایدئولوژیهای توتالیتر چشم دیدن نسخه بدل‌های خودشان را هم ندارند. بیچاره آن آقای علی با آنهمه سخنان جانبدارانه در شأن آقای مددی] ...

-اردبیلی: پان ترکیسم در مقاله آقای مددی به مفهومی کلیدی تبدیل شده است. پانتورکیسم تعریفی دارد و کسی که این مفهوم را بکار می‌برد بایستی آن تعریف را ارائه دهد و مصادیق آنرا نشان دهد. مصادیق آنرا با نام، فامیل، آدرس جایی که آنرا گفته یا نوشته است. اگر این تعریف نیست یعنی این تعریفی را که من الآن خواهم خواند قبول ندارد، بایستی خود تعریفی ارائه دهد و مصادیق آنرا بشمارد. آنموقع هم میتوان دید که آن تعریف درست است یا نه. اما اگر بدون ارائه تعریف و مصادیق آن هرکسی را که خواست پانتورکیست بنامد، زیر هر بته‌ای پانتورکیست کشف کند، در هر سایت و نیمه هر سازمانی، دنبال پانتورکیست بگردد، پس این فرد با آن بازجو و شلاق زن دیگر فرقی ندارد؟ هردو اتهامی می‌زنند که تعریفی ندارد... تعریف از "انسیکلویدی شوروی آذربایجان" که از سوی ده هزار کمونیست کنترل شده است این است: **"ایدئولوژی ملت پرست، شوونیست و بورژوازی مبلغ تعلق همه**

خلفهای متکلم بزبان تورکی به باصطلاح ملتی واحد و خواست وحدت آنها در يك دولت زیر حمایت ترکیه" جلد هفتم صفحه 451. آقای رحیم رئیس نیا هم تعریف مشابهی داده و با وجود اینکه لیست منابع مقاله ایشان تماماً شامل نام دشمنان بنام آذربایجان چون عنایت الله رضا، کاوه بیات و امثالهم است و نام يك دوست آذربایجان در لیست منابع مقاله آقای رحیم رئیس نیا نیست، من تعریف ایشان را هم قبول دارم. حال هرکس که از پانتورکیسم صحبت می‌کند باید پاسخ دهد که آیا این تعریف را قبول دارد و...می‌خواهم که صحبت را ببندیم و برویم به موضوعی دیگر.

آقای مددی، در سال 1917 در آستانه تشکیل "آذربایجان خالق جومهوریتی" در قفقاز به رهبری محمد امین رسولزاده، میزان نفوذ مساواتچی‌ها و بلشویکها به چه میزان بود؟ لطفاً جواب دهید.

- مددی: اگر از دائره المعارف آذربایجان حرف بمیان آمد، لطفا نوشته های دائره المعارف بریتانیا و حتی سوئد را هم ذکر کنید. [معلوم نشد که آیا ایشان از تعریف دایره المعارف بریتانیا با خبرند یا نه؟! چون تعریف آن منبع هم شبیه بقیه تعریفها در تمامی منابع دیگر

است. چیزی بنام "دایره المعارف سوئد" وجود ندارد و تعریف منابع سوئدی موجود از جمله ویکی پدیای سوئدی هم مثل بقیه است.].

- اردبیلی: سؤال من اینست: در سال 1917 در آستانه تشکیل "آذربایجان خالق جمهوری" در آذربایجان شمالی بلشویکها چه نفوذی داشتند و میزان نفوذ مساواتچیها چقدر بود؟ [بحث میزان حمایت مردمی از حکومت مساوات مثل هر حکومت دیگری تعیین-کنندهترین اساس قضاوت ماست.].

- مددی: نگاه کنید آقای علیرضا، من امروز در اینجا نماینده حکومت مساوات یا شائومیان که نیستم [اینکه شما نماینده حکومت مساوات نیستید قبول. اما هدف این سؤال من روشن ساختن این نکته برای بینندگان بود که آیا شما نماینده شائومیان یعنی قتل عام کننده ملت آذربایجان از جمله نسل کشی موسوم به "حوادث مارس" در سال 1918 هستید یا نه؟ جواب ندادن شما به **سؤال کلیدی میزان آرای دو جریان بلشویک و مساوات** در مورد علت خودداری شما از ذکر ارقام 63 درصدی آرای مساواتچیها و رقم زیر چهار درصدی بلشویکها ایجاد بدبینی می کند... اگر وقت آن بیاید می روم **اطلاعاتی در آن باره دارم و خودتان هم می دانید که میدانم، و میتوانم بیشتر هم داشته باشم.** این مسئله چه ربطی به بحث امروز ما دارد. حال با این حرفها می خواهید چه چیزی را ثابت کنید؟ ... [ایشان میتوانستند بجای این ادعا کمی از این اطلاعات را در اختیار بینندگان بگذارند که امکان قضاوت در مورد میزان اطلاعات ایشان برای عموم فراهم بشود]

- اردبیلی: من ربط ماجرا را توضیح می دهم. شما در مقاله خود به محمد امین رسولزاده برخورد کرده اید. از اقدامات محمد امین رسولزاده، خاطره و ارثیه معنوی وی، حاکمیتی که او تأسیس کرده بود، برای ما عزیز و مهم است. همین مسئله در مورد سید جعفر پیشه‌وری هم صادق است. امروز حکومت ملی تحت رهبری سید جعفر پیشه‌وری برای ما مهم و عزیز است نه کارهای دیگر او. بنابر این سؤال من به بحث ما مربوط است. لطفاً جواب دهید. سؤال مشکلی نیست. در آن زمان بلشویکها چقدر در آذربایجان و قفقاز نفوذ داشتند و مساواتچیها چقدر؟ ...

- مددی: ... این طرز تفکر توتالیتریزم بوده و... این عین "مک کارتیسم" است که از ملت پرستی افراطی و چپ ستیزی افراطی ریشه میگیرد... شما بمن جواب بدهید که تشکیل این حکومت بظاهر جمهوری آقای رسول زاده چه بوده است؟ مگر غیر از خوانین و اشراف بوده است؟ ... میدانید که من در این مسائل **آنچنان بیاد هم نیستم** و در موقع خود میتوانم به این مسائل هم بپردازم. [احتمالاً خواننده نا آشنا با ادبیات بلشویکی نمی‌داند که رژیمهای شوروی و چین تحت کنترل مائو در طول چندین دهه از عمر خود مشغول شکار مضمولین این اتیکت تعریف نشده "خوانین و اشراف" یا کولاک بودند و پشت این ارزش گذاریها، عظیمترین آمار کشتار شهروندان عادی در تاریخ بشری خوابیده است] ...

- اردبیلی: آیا سؤال من روشن نیست؟ آیا سؤال من مفهوم است؟.. اگر سؤال من روشن نیست آنرا بصورت کنکرت‌تری بیان کنم.

- مددی: در جنگ جهانی دوم آن جمهوری کوچک 600 هزار شهید داده است [اینجا هم ارواح طیبه 600000 شهید در پشت سر س. م. و حسین نوحی وند به صف آرای جنگی بر علیه سؤال کننده احضار شدند.]. ...

- اردبیلی: آقای مددی مثل اینکه شما توبره‌ای دستتان است که درون آن پر از گرد و خاک دود است و شما در قبال هر سؤال مشخصی آن گرد و غبار و دود را به هوا بلند می‌کنید تا به آن سؤال جواب ندهید. [مگر حسین شریعتمداری در مصاحبه فوق کار دیگری میکرد؟] شما باز هم به سؤال من جواب نمیدهید و من دوباره میپرسم که درموقع تأسیس حکومت مساوات رسول زاده، بلشویکها و آنها چه تعداد رای بدست آوردند؟ [سماجت از دو سوست: سؤال

کردن و جواب ندادن]

- **مددی:** آیا باید من این آمار را از کتاب پیدا کنم و برایتان بگویم؟ این موضوع چه ربطی به مسئله دارد؟ [اگر آدم شفاهي نیستید تنها راه سند کتبي است و اخبار شفاهي به حساب نمي آیند]...

- **اوبالی:** اجازه بدهید من از این کتاب سویتووخووسکي نقل قول کنم. در صفحه ی 107 این کتاب آمده است که تعداد آرای بلشویک ها از آرای مردمی که 2455270 نفر بوده اند، 95 هزار بوده است. این کمتر از 5 درصد آراست.

- **مددی:** این چه آماري است؟ در خود تبریز که پیشه‌وري در انتخابات شرکت کرده بود 25 هزار رأی آورده بود...

- **اوبالی:** این آمار قفقا ز است و من از این کتاب نقل میکنم.

- **اردبیلی:** این آرا از آن آذربایجان، گرجستان و ارمنستان است.

- **اوبالی:** من از این کتاب نقل کردم.

- **مددی:** من به اندازه کافی اطلاعات عمومی دارم [ما هم خواهان کسب فیض بودیم اما جواب آن 6 سوال نگرفتیم]

- **اوبالی:** اگر بحث اینطور پیش برود متوقف کنیم بهتر است. آقای مددی به سوآلي که از شما میشود، جواب بدهید.

- **مددی:** من جواب خودم را دادم. [!؟]

- **مددی:** من کسی نیستم که زیر حرفم بزنم و این را میدانید. [چگونه میتوان زیر این سخنان خارج از موضوع "زد"؟!]

- **اوبالی:** لطفاً به سوآلات جواب بدهید.

- **مددی:** من رسولزاده را خوب خوانده‌ام [اما درصد آرای حزب تحت رهبري وي را یا نمی‌دانم یا بر زبان آوردنش را مغایر مصلحت خود می‌دانم]...

- **اردبیلی:** هفته قبل مطرح کردید که حدود 50 مقاله نوشته اید که تقریباً نصف به نصف فارسی و ترکی هستند. آیا در این 25 مقاله ی ترکی، مقالاتی هستند که بعداً بزبان فارسی ترجمه شده اند؟ ...

- **اردبیلی:** شما جواب سوآل مرا ندادید و اگر می دادید منم جواب این سوآل شما را می دادم. غیر از آن مقالات، آیا مقالات دیگران به فارسی ترجمه شده است؟ ...

- **اردبیلی:** من جواب سوآل خودم را نشنیدم. ... آیا از این مقالات، مقاله دیگری نیز به فارسي ترجمه شده است؟ [آقای مددی در میان گرد و خاکی اینبار بپا می‌کنند از ترجمه "آثار"

خودشان به دیگر زبانها صحبت می‌کنند و این طلاعات را برای آگاهی من و بینندگان مفید می‌شمارند. اما در جواب سوال من یعنی ترجمه به فارسي آشفته شده و میگویند:]

- **مددی:** دانستن این مطلب به چه درد شما میخورد؟

- **اردبیلی:** سوآلی است که میبرسم. [وبرای اینکار با استودیو تلویزیون تماس گرفته بودم]

- **مددی:** آقای اردبیلی! آیا شما مفتش یا بازجو هستید که من مجبور شوم که یک بیک

توضیح دهم که کدام مقالات من به زبانهای دیگر ترجمه شده است؟ آقای اوبالی! من هدف شما را در موقعیتی که اعلام میکنید ترافیک خط تلفن دارید، نمیفهمم. چرا همه ی وقت را به

آقای اردبیلی می دهید. مگر شنوندگان دیگری وجود ندارند؟]

- **اوبالی:** من چکار کنم؟ آیا باید از او بخواهم که سوآلات خود را قطع کند؟

- **اردبیلی:** غیر از این مقاله آیا مقاله دیگری به فارسي ترجمه شده است؟

- **مددی:** چه ربطی به شما دارد؟

- **مددی:** این ترجمه ها به زبان فارسی چه ایرادی دارد؟ ...

- **اردبیلی:** بازهم مقاله ی دیگری دارید که بفارسی ترجمه شده باشد؟ [امیدوارم مصاحبه

سید ابراهیم نبوی از ابتدای این نوشته از یاد خواننده نرفته باشد]

- **مددی:** بشما چه ارتباطی دارد. مگر بازجو هستید؟ [چه خوش گفت سید ابراهیم نبوی که اتهام زدن به دیگران سرشار از ناگفته هاست]

- **اردبیلی:** مگر سری در کار است که جواب نمیدهید؟

- **مددی:** خیر سری نیست ولی ربطی بشما ندارد. [پس ارتباط شما با تلویزون برای پاسخ دادن به سوالات به چه منظوری بود؟]

- **اوبالی:** آقای اردبیلی چرا این سؤال را مطرح میکنید؟ اهمیتش در کجاست؟

- **اردبیلی:** اگر 25 مقاله ترکی که آقای مددی نوشته‌اند، تنها این مقاله "21 آذر بوگون" که از نظر من ضد آذربایجان است ترجمه شده باشد، این يك معنی دارد و می‌شود اینکار را فهمید. اما اگر از این 25 مقاله، 2 مقاله ترجمه شده و هردو ضد آذربایجان باشند یعنی هردو در بین جنبش ملی آذربایجان پانتورکیست و نژادپرست کشف کنند، آنوقت این مسئله معنی دیگری پیدا می‌کند. ایشان ادعا می‌کنند که ترجمه مقاله مورد بحث ایشان بخاطر دشواری عده‌ای از آذربایجانی‌ها در خواندن متن ترکی است. در صورت صحت این ادعا میتوانست از این 25 مقاله، 5 مقاله بصورت تصادفی با موضوعات مختلف ترجمه شده باشد نه، تنها دو مقاله که در هردوی آنهاي ایشان پانتورکیست کشف و افشا می‌کنند. در صورتی که ماجرا اینطور باشد، این یعنی اینکه ایشان تنها دو مقاله با مضمون پانتورکیست کشف کنی را به فارسی ترجمه کرده باشد، اینکار را بخاطر خوشآمد نژادپرستها و فاشیستها اینکار را انجام داده‌اند. حال من سؤال خودم را تکرار می‌کنم: آیا از این 25 مقاله تنها این مقاله به فارسی ترجمه شده است؟

- اوبالی: او (مددی) حاضر به جواب دان به این سؤال نیست. آقای مددی آیا می‌خواهید به این سؤال جواب بدهید؟

- **مددی:** بخاطر آن موضع توتالیتیر، ضدچپ و اولترا ملت پرستانه است که فکر می‌کنید که من درصدد جلب دیگران بسوی خود هستم..... [و وابستگی به امپریالیسم جهانی، سامواری-های ژاپنی، سرخپوستان مایا، آبورجینهای استرالیا و ...]

- **مددی:** من دوستان زیادی در تبریز دارم... شما سبک نگارش زبان ما را مشکل کرده اید و مردم ما نمیتوانند آن را بخوانند. [عجیب است که از نظر بسیاری علت دشواری مردم غیر فارس در ایران در کار خواندن و نوشتن بزبان خودشان دلایل دیگری دارد] ..

- **اردبیلی:** دفعه ی پیش آقای مددی مطرح کردند که اگر قرار باشد چاپلوسی کنند، این چاپلوسی را در حق خلق آذربایجان میکنند. این حرف فعلاً در سطح ادعاست و من با طرح این سئوالات بر آنم که مردم قضاوت کنند که این ادعا درست است یا نه؟ 10 سال قبل عزیز سلامی، "سنور" و "سید آوالی"، آقای مددی را به همکاری در مجله "آذربایجان سسی" دعوت کرد ند. و تنها بعد از انتشار چند شماره، در نشریه این دوستان، آقای مددی مقاله ای بزبان ترکی نوشته و طی آن این همکاران خود را به پان ترکیسم و نژادپرست بودن متهم کرد و این مقاله را دوباره بزبان فارسی هم ترجمه کرده در در همان شماره چاپ کرد. حال عجیب است که او از این 25 مقاله ی خود دو مقاله را بفارسی ترجمه کرده که اتفاقاً هر دو سمت و سوی اتهام زنی نامربوط به مردم و فعالین ملی را دارد. چرا اتهام مینامم؟ برای اینکه اگر این پان تورکیزم مورد ادعای او تعریف نشود، جنبه ی اتهامی دارد و بس. [کار نیکو کردن از پر کردن است. آقای واهاب تبریزلی ما اینجا هم کلمه "خلق آذربایجان" از زبان مرا بر اساس کتاب لغات و اصطلاحات مجاز در رژیم جمهوری اسلامی به "مردم آذربایجان" تغییر داده و بازهم زیرکانه و معنی‌دار از زبان من مطرح کرده‌اند که گویا آقای مددی صاحب اصلی مجله "آذربایجان سسی" بوده و دیگران را به همکاری دعوت کرده]

- **اوبالی:** پس شما بخاطر این مسئله است که سؤال می‌کنید! [و ایشان دقیقاً به این

خاطر از دادن جواب بیمناکند]

- **مددی:** اوبالی عزیزم! به روند استنطاق و تفتیش جناب علیرضا پایان دهید و اجازه دهید که مردم سئوال خود را مطرح کنند. [بویژه مردمی که سوآلاتی در باره میزان نفوذ بلشویکها در سال 1917 در قفقاز، تعریف پانتورکیسم و مصادیق آن، تعداد مقالات ترکی س. م. که بعداً به فارسی ترجمه شده‌اند، نام کسانی که آمریکا را دعوت به حمله به ایران کرده‌اند و چگونگی اصولی بودن منافق نامیده شدن سازمان مجاهدین خلق از سوی اعضای آن و امثالهم نداشته باشند].

- **اوبالی:** آقای اردبیلی! باز هم سئوالی دارید؟.....

- **مددی:** شما ها هستید که باید بمن جواب دهید. ... یک خط افراطی در آذربایجان وجود دارد که مانع یادگیری زبان مادری ما و پیشرفت مبارزه ی ماست [آیا این رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی نبودند و نیستند که مانع یادگیری زبان مادری ما بوده‌اند. فکرش را بکنید که چقدر آقای واهاب تبریزی از شنیدن این ادعا دچار شعف شده‌اند]......

- **مددی:** ...من دیروز 4 ساعت در اتاق پالتاک حضور یافته و دیدم که کسی میگفت که حرکت آذربایجان فاشیستی است... من با کسانی که بخاطر استقلال آذربایجان جرج بوش را (مثل کردها) دعوت به حمله به ایران میکنند، مخالفم. البته هنوز این افراد افراطی موفق به تسخیر نهضت ملی نشده اند. [آقای مددی که بارهای ادعای محقق بودن و غیره میکنند ظاهراً متوجه نیستند که سخنان يك فرد در اطاق پالتاک یا حشر و نشر شخصی با این و آن، سندیتی بلحاظ فاکتوگرافی ندارند]...

- **اردبیلی:** من سئوالات زیادی دارم که دیگر نمیخواهم ادامه بدهم. خوشیختانه مقاله آقای مددی مکتوب است و من هم خودم آدم کتبی هستم. این بحثهای کتبی ادامه خواهد یافت. ادعاهای مربوط به آذربایجان دوستی آقای مددی و من صرفاً ادعاهایی هستند. مخالفت با هیتلر یا توجیه اینکه مقاله بخاطر عدم توانائی آذربایجانیها در خواندن مقالات ترکی بزبان فارسی منتشر شده، فقط اعتباری در سطح ادعا دارد. مردم باید قضاوت کنند که هدف آقای مددی از این چه بوده است. آیا او واقعا با مشاهده ی یک خطر عینی اینکار را کرده و یا فرصتی بدست آورده که نام آور شده و مانند بابک خسروی و چپ های سابقى مانند علی میرفطروس و دیگران- که سلطنت طلب شده اند، احترامی در بین محافل ضدترک دست و پا کند. ایشان حرف جدیدی نزده و به تکرار حرف های کهنه ای که سلطنت طلبان و ایدئولوژیست های رژیم در حق حرکت ملی آذربایجان و محمدمین رسول زاده پرداخته است. این حرفها از سوی سلطنت طلبان هیچ بحثی از سوی ما را موجب نشده است و بحث امروز ما عبارت از این است که آقای مددی دارند از **درون جنس** این مباحث را مطرح می‌کنند یا **از بیرون آن** و قضاوت با مردم است؟؟؟

مکانیسم يك دیالوگ عمومی

هدف از انجام مناظره، سئوال و جواب، میزگرد، کنفرانس و انواع دیگر دیالوگ در فضای عمومی فراهم آوردن امکان قضاوت طرف ثالث یعنی مردم بیننده و شنونده و خواننده است. در این نوع دیالوگ بیش از هر چیزی طرفین بایستی به مدعاهای قابل کنترل استناد جویند. طرف ثالث بایستی بتواند مدعیات طرفین بحث را کنترل بکند. از اینرو توسل به مدعیاتی که یا قابل کنترل نیست یا خارج از موضوع است و یا اهمیتی ندارد، از سویی به هدر دادن وقت گرانبهای مردم است و از سوی دیگر اگر اینگونه مدعیات به بهای خودداری از اطلاعات و مدعیات قابل کنترل مطرح شوند، دیالوگ را غیر ممکن می‌کنند. متأسفانه آقای س.م. تمامی درهای دیالوگ را

خواه بصورت شرکت در بحث چندجانبه کتبی و خواه در دو جلسه سوال و جواب تلویزیونی را با رفتارهای نامتعارف خود کوفتند و بستند. من چند نمونه از ادعاهای قبل کنترل و ادعاهای غیرقابل کنترل ایشان را در زیر دسته بندی کرده‌ام:

ادعاها و مسائل مورد بحث قابل کنترل

- من از مؤسسان جنبش فدرال دموکرات آذربایجان بودم (معلوم شد که ایشان درست نمی‌گویند. به شهادت همه مؤسسان این جنبش و اطلاعیه مسئول هیئت اجراییه آن، ایشان نه جزو مؤسسان جنبش فدرال دموکرات آذربایجان بوده‌اند و نه حتی عضو این جنبش)
- تقریباً 25 مقاله فارسی و 25 مقاله ترکی نوشته‌ام (برای کنترل این ادعا خواهش می‌شود که ایشان لیستی از تیتراژ این 50 مقاله و آدرس و تاریخ و محل نشر آنها را اعلام کنند)
- تعداد مقالات ترکی که بعداً به فارسی ترجمه شده‌اند (برای کنترل این مسئله بایستی خودشان پیشقدم شوند. ظاهراً این تعداد بیش از دو مورد مقاله پانتورکیست کشف کنی نیست)
- عده‌ای از آمریکا دعوت به حمله به ایران کرده‌اند. (برای کنترل این ادعا ابتدا باید ایشان اسامی افراد مزبور را ذکر کنند)
- تعریف پانتورکیسم و ارائه مصادیق آن با ذکر اسناد کتبی
- میزان آرای بلشویکها و حزب مساوات در آستانه تشکیل جمهوری اول آذربایجان شمالی.
- من محقق هستم (برای کنترل این مدعا ایشان بایستی رشته یا رشته‌های تحقیقی خودشان، تحصیلات مربوطه و لیست آثار تحقیقی خودشان را ارائه کنند)

نمونه ادعاهای غیرقابل کنترل:

- من این عرضه را دارم که در باره مطلب خود توضیح دهم
- میتوانستم جواب دهم
- من برای تعریف از خودم قابلیت لازم را دارم
- من در این مسائل آنچنان پیاده نیستم
- من به اندازه کافی اطلاعات عمومی دارم
- من کسی نیستم که زیر حرفم را بزنم
- من رسولزاده را خوب خوانده‌ام
- من دوستان زیادی در تبریز دارم
- اطلاعاتی در آن باره دارم و میتوانم بیشتر هم داشته باشم

می‌بینید که ایشان به همان اندازه که در ارائه **مدعیات غیرقابل کنترل** فعال بودند در ارائه **مدعیات قابل کنترل** خست به خرج می‌دهند و این مسئله هر گونه دیالوگ را غیر ممکن می‌کند. تنها نکته قابل کنترلی که ایشان بیان نمودند همانا تعلق ایشان به مؤسسان جنبش فدرال دموکرات آذربایجان بود که سرنوشت آنهم با اطلاعیه دبیر هیئت اجرایی این جنبش روشن شد.

جهت مداخله آقای واهاب تبریزلی در انعکاس سوال و جواب از طریق تحریف متن

امضای مستعار "واهاب تبریزلی" را زیر سه نوشته دیگر دیده‌ایم. نظرات مطرح شده در هر سه تالیف این نوشته‌ها، مطابق نظرات شناخته شده سیاسی-ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی ایران است. در ماجرای که موضوع این نوشته است، غیر از سایتهای اخبار روز، پیک نت، ایران جاوید و آقای

"علي"، آقای واهاب تبریزلی نیز جهت گیری آشکار در حمایت بی قید و شرط از آقای سیروس مددی کرده‌اند. آقای مددی و تیم ایشان نیز با سکوت خود در این موضوع، آثار هیچگونه ناراضی‌تی از این همسویی و همدلی ابراز نداشته‌اند. فعالیت‌های قلمی آقای واهاب تبریزلی و نحوه مداخله و نحوه تحریفات ایشان از برنامه سؤال و جواب تلویزیونی مورد بحث شایسته یک بررسی انتقادی جداگانه است. من اینجا به سه مورد از اینگونه مداخله و حمایت ایشان به نفع آقای مددی اشاره می‌کنم. در هر سه مورد من عین سخنان رد و بدل شده به ترکی، ترجمه دقیق آن به فارسی و ترجمه جهت دار آقای واهاب تبریزلی را می‌آورم و در این مورد نیز قضاوت با خوانندگان این سطور خواهد بود که جایگاه آقای واهاب تبریزلی و کیفیت و ماهیت همدلی بین ایشان و آقای مددی را مورد قضاوت قرار دهند:

1. آیا هر مجاهدی که عضو دیگر سازمان خود یا کل سازمان خود را "منافق" بنامد، لزوماً با رژیم در ارتباط است؟

متن موجود در نوار از دقیقه 47 و ثانیه 40: مواهیدینی خلق تشکیلاتینی تانیرسیز، اونون بیر عوضوی نین تشکیلاتی، ائلی‌یه بیلر اؤز تشکیلاتین و اؤز دوستلارینی، منافیق آدلاندیرسین؟ یعنی رژیمین همین ادبیاتیندان ایستیفاده ائله سین و سونرا دئسین کی، بو بو بیر مواهید تنقیدی دیر، بیر اوره‌ک یاندیران مواهیدین طرفیندن دیر، و یا خود سیزین نظریزه اگر بو آدم مواهید دیر، منافیق کلمه سیندن ایستفاده ائله‌مکله اؤزویله رژیم ین آراسیندا اولان فرقلری [سیلمکده] شخصاً اؤزو شوبهه یارادیر؟

ترجمه دقیق به فارسی: شما سازمان مجاهدین خلق را می‌شناسید. آیا عضوی از این تشکیلات می‌تواند، سازمان و دوستان خودش را منافق بنامد؟ یعنی از همین ادبیات رژیم استفاده کند و بعد بگوید که این انتقاد یک مجاهد است، از طرف یک مجاهد دلسوز است؟ **آیا از نظر شما اگر این فرد مجاهد است یا بکار بردن کلمه منافق خودش در مورد [باز کردن] فرقه‌های خودش یا رژیم ایجاد سوء ظن نمی‌کند؟**

ترجمه آقای واهاب تبریزلی: "آیا یک عضو سازمان مجاهدین می‌تواند از کلمه ی "منافق" بر علیه سازمانش استفاده کند؟ و بگوید که علیرغم اینکه این ادبیات از طرف رژیم بکار میرود، قصدش یک انتقاد "مجاهد گونه" است؟ **آیا نمیتوان به این فرد مشکوک شد که با رژیم در ارتباط است؟**"

توضیح: آقای واهاب تبریزلی که در ابتدای ترجمه خود اعلام کرده که آقای مددی **هم تردست** است و هم **باسواد**، اینجا لازم می‌بیند مرتکب یک تحریف فاحش در ترجمه شود و ایشان جمله زیر را از زبان من در متن می‌کارند **"آیا نمیتوان به این فرد مشکوک شد که با رژیم در ارتباط است؟"** با کاشتن این جمله و طرح این استدلال مسخره در نقل سخنان من، ایشان قصد دارند که نبود منطق در سخنان آقای مددی را لاپوشانی کنند. از نظر من بکار بردن ادبیات رژیم جمهوری اسلامی به تنهایی نمیتواند نشانه ارتباط با رژیم باشد و اینکار بیشتر نتیجه سر باز کردن عقده‌های شخصیتی در صورت برآورده نشدن آزمندیها و جاه طلبیهای شخصیت‌های بیمار است. واقعاً که این آقای مددی "خوش شانس" هستند که آقای واهاب تبریزلی هم بسان سایت اخبار روز و سایت پیک نت و سایت ایران جاوید، بنفع ایشان وارد معرکه شده‌اند.

2. تولید مشترک خوراک برای دشمنان آذربایجان:

متن موجود در نوار از دقیقه 50 و ثانیه 5: من دئمیریم کی بیزیم بابک قالاسیندا تورکیه پرجمی چیخاردانلار مثلاً واریدی یا یوخایدی ها، سیزه میثال اوچون دئمیرم

ترجمه دقیق به فارسی: من نمی گویم که کسانی وجود داشتند که در مراسم قلعه بابک پرچم ترکیه را برافراشتند یا نه

ترجمه آقای واهاب تبریزی: "کسانی وجود داشتند که در مراسم قلعه ی بابک پرچم ترکیه را برافراشته اند"

توضیح: اینجا آقای مددی به نوبه خودشان در حال تولید انبوه خوراک لازم محافل ترک ستیز و راسیست فارس به نرخ ارزان هستند، و فرصت پیش آمده را هدر نمی دهند. ساده لوحی است اگر این جمله ایشان را نشانه بیخبری ایشان بدانیم. اصولاً ایشان بایستی به تلاش رژیم و محافل ترک ستیز خارج از رژیم برای بستن چنین اتهاماتی به یکی از هوشمندانه ترین ابتکارات جنبش ملی آذربایجان بایستی واقف باشند. آیا صرف طرح این ادعا تولید خوراک مورد علاقه راسیستها نیست؟ اینجا ظاهراً ایشان ادعای افراشتن پرچم ترکیه را **نکردند**. اما طرح آنرا کردند و گفتند که آنرا نه رد می کنند و نه تأیید. آقای واهاب تبریزی در اینجا به مدد س. م. آمده و خوراک تولید شده از سوی وی را برای مصرف موجودات راسیست اسلامی و سلطنت طلب کامل می کند: **"کسانی وجود داشتند که در مراسم قلعه ی بابک پرچم ترکیه را برافراشته اند"** یعنی هنوز اینک در همان مرحله استارت کار تیم سیروس مددی، واهاب تبریزی در یک عملیات تردهستانه فاکت لازم برای هجوم به آذربایجان را در اختیار محافل راسیست حکومتی و اوپوزیسیونی قرار دادند. اینک راه برای ادعای برافراشته شدن پرچم ترکیه در مراسم قلعه بابک به استناد به منابع کتبی شده تیم سیروس مددی-واهاب تبریزی هموار است. حال دهها و صدها هزار ترک حاضر در مراسم چندین ساله قلعه بابک از شدت احساس مظلومیت در قبال این ادعای متکی به "اسناد" فوق، به گریه هم که بیفتند، دردی درمان نخواهد شد. منابع خبر هر دو آذربایجانی اند و گویا در یک مصاحبه تلویزیونی در برابر چشمان بینندگان بیشمار برنامه تلویزیونی به میان آمده اند و از جمله علیرضا اردبیلی و احمد اوبالی هم در قبال آن سکوت کرده اند!

3. حمایت سیاسی از یک حکومت دمکراتیک یا سودازدگی احساسی و ایمانی نسبت به یک فرد

متن موجود در نوار از دقیقه 72 و ثانیه 12: محمد امین رسولزاده نین بیزیم اوچون عزیز اولان، بیزیم اوچون موهوم اولان خاطیره سی، اونون تاریخی معنوی ایرثی، او دوزلتدیگی حاکمیت دیر، نئجه کی سید جعفر پیشه وری نین ده همین مسئله دیر. سید جعفر پیشه وری نین ده بوگونلری بیزه باشقا حرکتلری قابیلی قبول دئیل. سید جعفر پیشه وری نین دوزلتدیگی آذربایجان میلی حوکومتی بیزه اؤنملی دیر، عزیز دیر.

ترجمه دقیق به فارسی: آنچه از محمد امین رسولزاده برای ما عزیز است و مهمترین خاطره و ارثیه معنوی او حکومتی است که تأسیس کرده بود. همانطور که در مورد سید جعفر پیشه وری هم چنین است. کارهای دیگر سید جعفر پیشه وری امروز مورد قبول ما

نیست. حکومت ملی آذربایجان تأسیس شده از سوی سید جعفر پیشه وری برای ما مهم و عزیز است.

ترجمه آقای واهاب تبریزی: " شما در مقاله ی خود، **به عزیز دل ما محمدامین رسول زاده که یادگار تاریخی و معنوی ماست** و علت محترم بودنش آن جمهوری مستقل آذربایجان بود، توهین کرده اید. ما این برخورد را با پیشه وری هم داریم و بغیر از اقداماتش برای ایجاد حکومت ملی، کارهای دیگر او را قبول نداریم. پس سئوالم نامربوط نیست و لطفاً جواب دهید که نفوذ هر یک از جریانات یاد شده چه بوده؟ "

توضیح: باز هم دست مددکار از آستین مترجم گمنام ما به مدد آمده و ترجمه سوآل مرا دستکاری کرده است: "**شما در مقاله ی خود، به عزیز دل ما محمدامین رسول زاده که...**" آقای واهاب تبریزی، حمایت سیاسی من بر اساس پرنسیپهای دموکراتیک و ارزشهای مدرن از حکومت "آذربایجان خالق جومهوریتی" را به دل بستگی احساسی از محمد امین رسولزاده تقلیل دهد. کاربرد صفت "**عزیز دل ما**" (!) در مورد یک رهبر سیاسی همانا اسطوره و قدیس (و متقابلاً ضد اسطوره و شیطان) ساختن از شخصیتهای سیاسی است یعنی همان کاری آقای مددی در هر جمله و پاراگراف خود مرتکب آن می‌شوند. آدم از شلخته بودن ترجمه این آقای واهاب تبریزی مرتکب دست کم انگاشتن ایشان می‌شود، اما دیدن چنین نکات ظریفی از سوی صاحب نامعلوم این امضا، ما را به نتیجه دیگری می‌رساند.

استکھلم

19 مارت 2009

بعدالتحریر:

رهبری تیم سه نفره با کیست؟

از تماس تلفنی حسین نوحی وند کارمند سابق رادیو مسکو با گون آذ تی وی تاریخ اول فوریه 2009: از دقیقه 70 و ثانیه 25: "این من هستم که سیروس را در موقعیت نامناسبی قرار داده- ام. اسنادی که رفقا میگویند پیش من هستند و به زبان روسی هستند. من باید اینها را ترجمه می‌کردم که نکرده‌ام. چهار پنج روز پیش عینکم شکست. من هستم که این دسته گل را آب داده ام."

منبع آقای نوحی وند در کارزار مقدس افشای عوامل استکبار جهانی:

" این کتاب را سرتیپ بازنشته لئو فیلیپویچ ساتسکف نوشته است. او بیش از 40 سال در ک. گ. ب اتحاد شوروی و اس. و. ار(سرویس اطلاعات خارجی) فدراسیون روسیه خدمت کرده است"